

علم أصول الفقه

٩٠

٩٣-٢-٢٨ اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

آیا این اتفاق
نظر فقہا
برای ما
حجت است؟

اتفاق نظر
فقہا در فتوا

اجماع

• اقسام اجماع

- ۱- اجماع بسيط
- ۲- اجماع مركب
- ۳- اجماع محصل
- ۴- اجماع منقول
- ۵- اجماع ملفق از منقول و محصل

بسيط

مركب

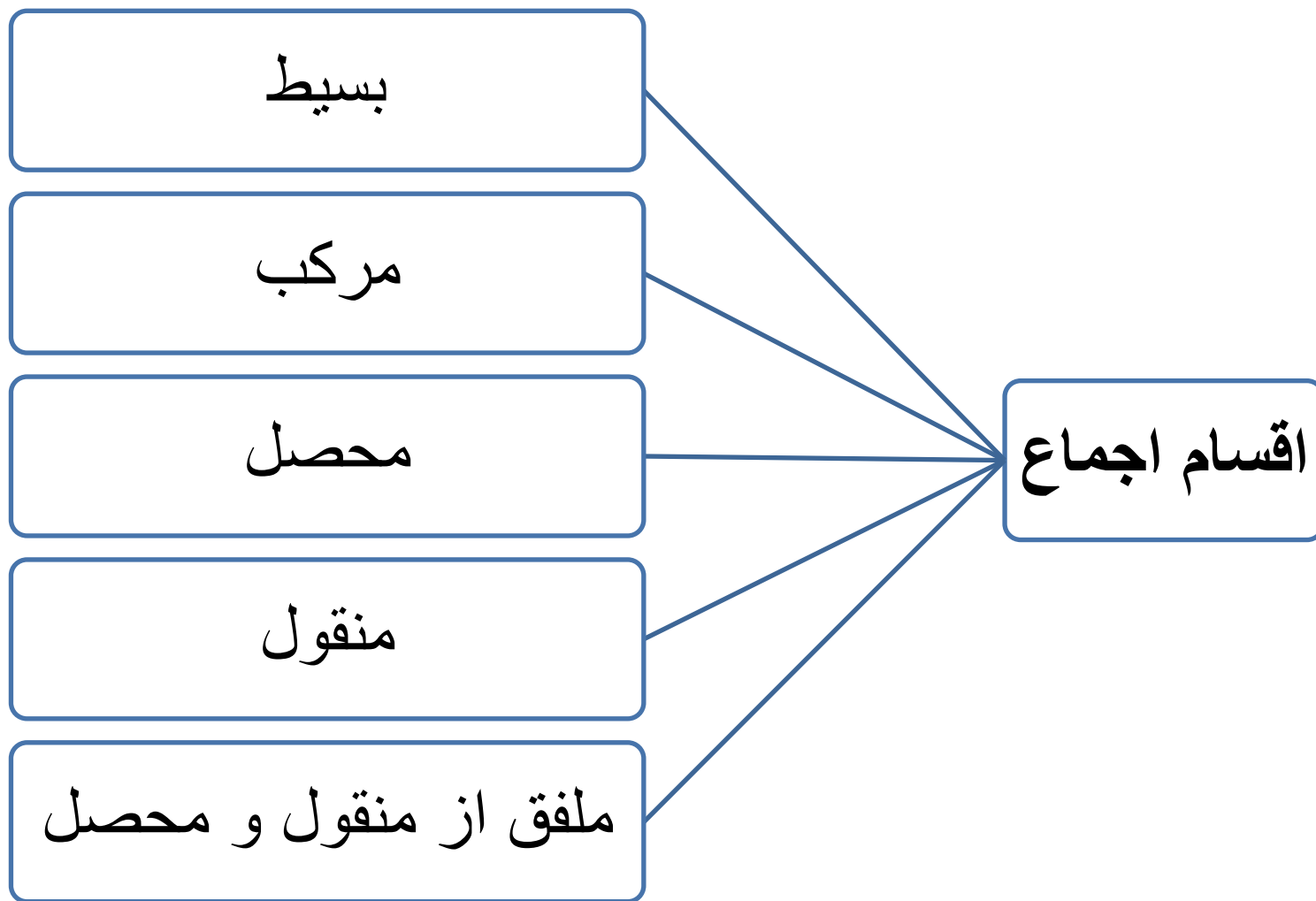
اقسام اجماع

محصل

منقول

ملفق از منقول و محصل

اقسام اجماع

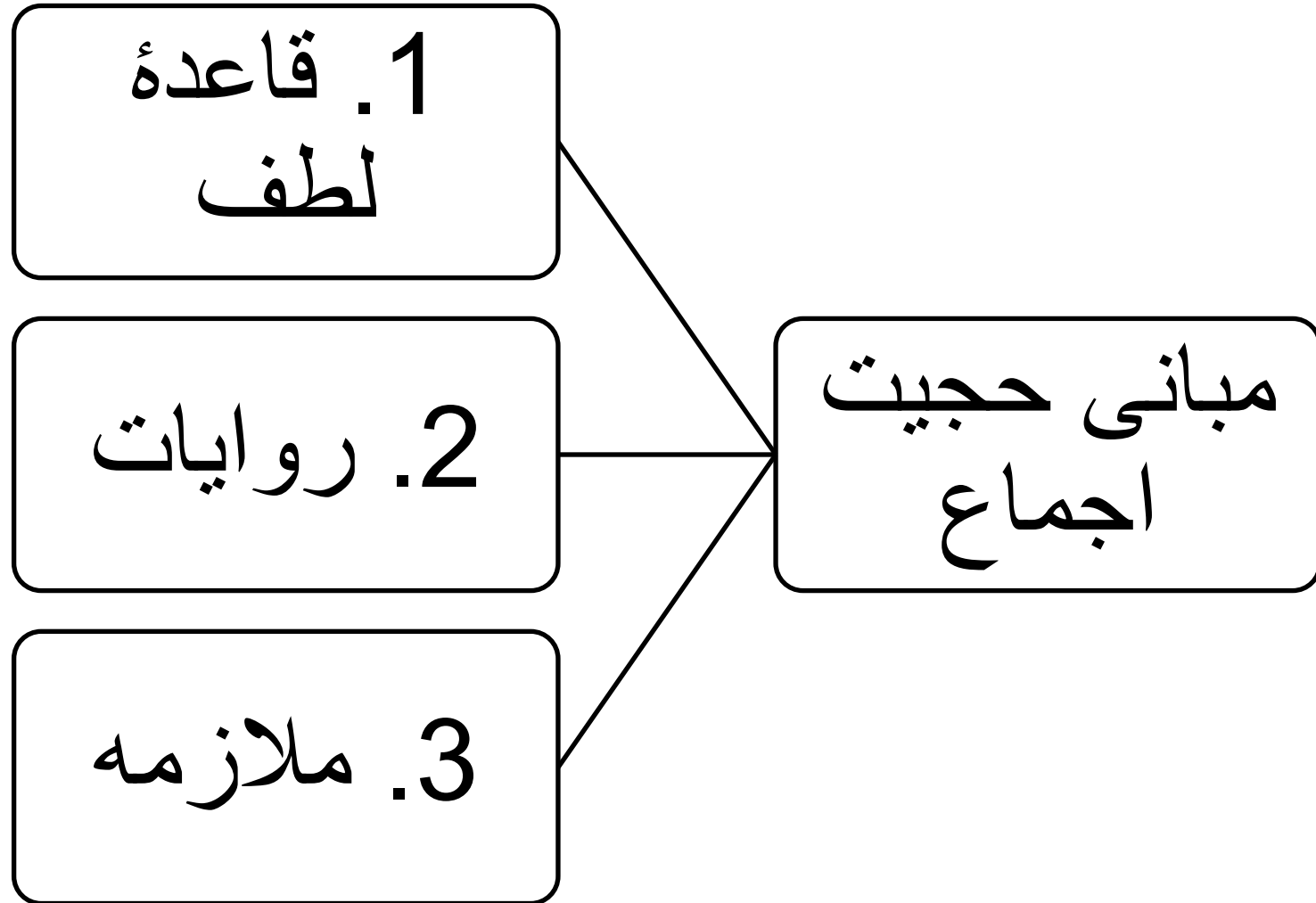


ملاک حجیت اجماع در نظر شیعه

کاشف قطعی از
رای معصوم

اجماع حجیت

مبانی حجیت در اجماع بسیط



مبانی حجیت در اجماع بسیط

- مبناى اول: قاعدة لطف
- این مبنا به شیخ طوسی - رضوان الله علیه - منسوب است و این نسبت هم نسبتِ درستی است و برخی از فقها و اصولی‌های شیعه نیز آن را مطرح کرده‌اند و از آن به قاعدة «لطف» تعبیر شده‌است.
- بر اساس این مسلک، اجماع به حکم عقل حجت است.

مبانی حجیت در اجماع بسیط

- تقریر دلیل به این شکل است: لطف خداوند - تبارک و تعالی - اقتضا می‌کند که مصالح بر عباد تفویت نشود. بنابراین اگر همه فقها در یک مسأله‌ای بر مطلبی اتفاق نظر پیدا کردند در حالی که آن مطلب خلاف واقع باشد، این خلاف واقع بودن باعث تفویت مصالح واقعی در آن مسأله خواهد شد.

مبانی حجیت در اجماع بسیط

- در این صورت بر خداوند - تبارک و تعالی - لازم است که به نحوی جلوی این تفویت مصلحت را بگیرد به این صورت که به گونه‌ای این اجماع را بشکند و از راهی برای بعضی از این فقها علم به خلاف این فتوا ایجاد کند. پس اگر همه فقها در یک مسأله‌ای اتفاق نظر داشتند و اختلافی بینشان پیدا نشد، معلوم می‌شود که این مطلب مطابق با واقع بوده‌است.

مبانی حجیت در اجماع بسیط

- قاعدة لطف، قاعده‌ای است که در مباحث مختلف کلامی به آن تمسک می‌شود و یکی از مهم‌ترین کاربردهای آن در بحث نبوت عامه است.
- اصل این را که خداوند - تبارک و تعالی - باید پیامبرانی بفرستد، با قاعدة لطف اثبات می‌کنند.

مبانی حجیت در اجماع بسیط

- تقریرش به این شکل است که دستیابی بشر به برخی از مطالبی امکان ندارد و آن مطالب در سعادت واقعی بشر نقش دارند. پس بر خداوند - تبارک و تعالی - واجب است که راهی برای معرفت بشر به سوی این مطالب بگشاید و آن راه این است که فرستادگانی را بفرستد و آن مطالب را به آنها وحی کند و ایشان را مأمور کند که این مطالب را برای مردم بیان کنند.

مبانی حجیت در اجماع بسیط

- در واقع از این طریق نبوت عامه ثابت می‌شود؛ البته دلیل لطف، خود بر حکمت استوار است؛ یعنی چون خداوند - تبارک و تعالی - حکیم است، انسان را خلق کرده‌است تا به یک هدف و غایت خاصی برسد و دستیابی به این هدف برای انسان جز با معرفت نسبت به یک سری امور میسر نیست و بعضی از این امور جز به ارسال رسل برای انسان قابل دستیابی نیست، حکمت الهی اقتضا می‌کند که پیامبران را مبعوث کند تا بدین طریق آن مطالب کلیدی در اختیار انسان گذاشته شود.

مبانی حجیت در اجماع بسیط

- اصل قاعدة لطف و کاربرد آن به صورت خاص در مورد نبوت عامه درست است و جای تردید در آن نیست؛ اما آیا تطبیق این قاعده در مورد اجماع هم درست است؟

مبانی حجیت در اجماع بسیط

- یعنی به مقتضای این قاعده پیامبران آمدند تا مطالبی را برای ما بیان کنند تا اینکه نوبت به پیامبر خاتم - صلی الله علیه و آله - رسید. آن حضرت هم آنچه را که مأمور به رساندنش بود، به مردم رساند. قرآن که وحی الهی بود و او مأمور به ابلاغش بود، در اختیار مردم قرار گرفت.
- حال اگر بعد از پیامبر همه فقها که متخصصان شناخت دین هستند، در یک مسأله اتفاق نظر داشتند و فرضاً در این مورد اشتباه کرده باشند، آیا بر خدا - تبارک و تعالی - واجب است که برای تصحیح به گونه‌ای بین آنها اختلاف ایجاد کند؟

مبانی حجیت در اجماع بسیط

- ادعای شیخ طوسی - رضوان الله علیه - این است که لطف الهی اقتضا می‌کند که وقتی فقها در یک مسأله اشتباه کردند و همگی به خطا رفتند، خدا - تبارک و تعالی - به گونه‌ای بین آنها اختلافی ایجاد کند و آن رأی صحیح را در بین آراء ایشان ایجاد کند.

مبانی حجیت در اجماع بسیط

- الطوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، ج ۲، ص ۶۳۰.
- همان.
- همان.

نقد شهيد صدر بر اجماع لطفی

- نقد شهيد صدر - رضوان الله عليه - بر اجماع لطفی

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- شهید صدر - رضوان الله عليه - در نقد این مبنا می فرماید مقصود شما از مصالح واقعی ای که حکمت خدا - تبارک و تعالی - اقتضا می کند که جلوی تفویت آن ها گرفته شود، چیست؟

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- آیا مصالح اولیه احکام است؛ یعنی همان مصالحی که مقتضی جعل و منشأ پیدایش احکام است یا مصالح ثانویه‌ای است که بر احکام و جعل الاهی مترتب می‌شود؛ یعنی آثار و نتایجی چون عقاب و ثواب بندگی و عصیان که بر جعل احکام مترتب می‌شود؛ مثل اینکه انسان از رهگذر انجام این وظایف الاهی، قرب به خدا - تبارک و تعالی - پیدا می‌کند و ثواب می‌برد یا به دلیل عصیان، از خدا - تبارک و تعالی - دور می‌افتد و گرفتار عقاب می‌شود و تیرگی دل نصیبش می‌گردد.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- فرض کنید شرب خمر به این دلیل حرام است که انسان با خوردن آن عقلش از بین می‌رود و به همین جهت، رفتارهای غیر عقلانی از او صادر می‌گردد. در نتیجه، نظم و امنیت اجتماعی با خطر روبرو می‌شود یا سلامت فردی به خطر می‌افتد؛ مثلاً بدن گرفتار بیماری شود؛ چنان‌که کبد در اثر استفاده از الکل به شدت صدمه می‌بیند.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- وجود این آثار در شرب خمر به جعل حکم ارتباطی ندارند.
- به این معنا که شراب چه حرام باشد و چه جایز و چه واجب این آثار پیدا می‌شود. این‌ها آثار واقعی شرب خمر هستند.
- این مانند جایی است که کسی سم می‌خورد و می‌میرد. این مردن ربطی به اینکه خوردن سم واجب است یا جایز یا مباح ندارد، بلکه مردن اثر تکوینی سم است..
- این آثار واقعی، همان مصالح و مفاسد واقعی هستند که شارع احکام را بر طبق آن‌ها جعل می‌کند.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- حال اگر کسی که به سبب اطاعت از دستور خدا - تبارک و تعالی - شراب نمی‌نوشد، غیر از اینکه مثلاً کبدش صدمه نمی‌بیند و عقلش از بین نمی‌رود، به خدا - تبارک و تعالی - قرب پیدا می‌کند و ثواب می‌برد و ثواب از آثار قرب الی اللّٰه است. این قرب نتیجه جعل است.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- نتیجه این است که خداوند - تبارک و تعالی - چنین چیزی را از او خواسته است و او نیز از باب اینکه خدا - تبارک و تعالی - خواسته انجام می دهد. دیگری که شراب نمی خورد؛ البته نه به سبب اینکه خدا - تبارک و تعالی - گفته است، بلکه چون دوست ندارد؛ مثلاً از بوی شراب بدش می آید، آن ضررهای واقعی برایش پیدا نمی شود؛ ولی قربی هم پیدا نمی کند؛ زیرا تقرب امری است که در طول اطاعت از او امر و نواهی شارع پیدا می شود.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- در مقابل اگر کسی عصیان کرد و شراب خورد، غیر از اینکه آن ضررهای واقعی برایش پیدا می‌شود، از خداوند - تبارک و تعالی - نیز دور می‌شود و آنکه اصلاً نمی‌داند این کار حرام است و در این ندانستن هم معذور است، وقتی شراب می‌خورد، آن ضررها برایش پیدا می‌شود؛ ولی این بُعد از خدا - تبارک و تعالی - پیدا نمی‌شود.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- حال اگر آن مصالح اولیه مورد نظر است، نظر شهید صدر - رضوان الله علیه - این است که اصلاً حفظ مصالح اولیه برای بشر بر خدا - تبارک و تعالی - واجب نیست، بلکه بشر خود باید با سختی و زحمت این مصالح را کشف کند.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- اصلاً سنت الهی هم بر این نیست که ضرورتاً بندگان مصالح واقعی را به دست بیاورند و از مفسد واقعی اجتناب کنند. شاید حکمت اینکه خداوند - تبارک و تعالی - همه مصالح و مفسد واقعی را بیان نکرده است، همین باشد که بشر تنبل نشود و برای به دست آوردن زحمت بکشد.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- به همین علت بر خدا - تبارک و تعالی - واجب نبوده است که مثلاً درمان سرطان، ایدز، هیپاتیت و ... را بیان کند یا بر وی لازم نیست که مثلاً علائم پیدایش یک زلزله را به بشر یاد دهد تا بشر بتواند خودش را از زلزله‌ها حفظ کند و خطرات ناشی از زلزله را کاهش دهد. به همین دلیل در سنت الهی نمی‌بینیم خداوند - تبارک و تعالی - چنین چیزهایی را برای بشر بیان کرده باشد.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- اگر مقصود مصالح ثانویه باشد، حفظ این مصالح بر خداوند - تبارک و تعالی - واجب است و از جهت دستیابی به مصالح ثانویه فرقی بین احکام ظاهری و احکام واقعی نیست؛ یعنی وقتی دو نفر به دو عمل واجب از آن باب که واجب است، عمل می‌کنند، هر دو قرب الی الله پیدا می‌کنند و ثواب می‌برند؛ هر چند ممکن است یک از این دو واجب، در عالم واقع هم واجب باشد و دیگر فقط در ظاهر واجب باشد. آنکه در واقع واجب است، مصالح واقعی هم دارد و آنکه در واقع واجب نیست، مصالح واقعی ندارد.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- وقتی فقها به استناد یک دلیلی فتوا دادند، در واقع حکم ظاهری را بیان کرده‌اند و ممکن است دلیلشان مطابق با واقع نباشد؛ ولی همان فقیه و مقلدین او که به این فتوا عمل می‌کنند، ثواب می‌برند و قرب پیدا می‌کنند.
- در حقیقت مصالح ثانویه برای آنها حاصل می‌شود.
- بنابراین اگر همه فقها نیز اشتباه کرده باشند، باعث می‌شود که مصالح اولیه از آنها فوت شود؛ اما مصالح ثانویه از ایشان فوت نمی‌شود.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- این بحث ایشان مبتنی بر این نکته است که انقیاد مانند اطاعت ثواب دارد و تجری مانند عصیان عقاب در پی خواهد داشت؛ یعنی همچنان که اگر در عالم واقع حکمی باشد و ما آن را امتثال کنیم، اطاعت کرده‌ایم و ثواب خواهیم داشت، اگر در ظاهر هم حکمی باشد و ما آن را امتثال کنیم، انقیاد داشته‌ایم و برای این انقیاد ثواب خواهیم برد.
- همچنین اگر حکمی در عالم واقع باشد و با آن مخالفت کردیم، عصیان کرده‌ایم و عقاب خواهیم شد، اگر در ظاهر هم حکمی باشد و با آن مخالفت کنیم، تجری کرده‌ایم و عقاب خواهیم شد.

نقد شهيد صدر بر اجماع لطفی

- هاشمی الشاهرودی، السيد محمود، بحوث في علم الأصول (تقريرات درس اصول شهيد صدر)، ج ٤، ص ٣٠٦.

نقد شهید صدر بر اجماع لطفی

- روایاتی داریم که اگر آدم بعضی از چیزها را نه به سبب امر خدا - تبارک و تعالی، بلکه به هر دلیلی، مثلاً به دلیل بهداشتی ترک کند، ثواب می‌برد؛ یعنی ترک فلان کار این قدر مهم است، که هر چند برای خدا - تبارک و تعالی - هم نباشد، همچنان مشمول ثواب می‌شود و این یک تفضل است و بحث جدا می‌طلبد.
- هاشمی الشاهرودی، السید محمود، بحوث فی علم الأصول (تقریرات درس اصول شهید صدر)، ج ۴، ص ۳۰۶.